

گردی نگاشت جنوبی

(جستاری تحلیلی - زبان شناختی در باب ضرورت و لزوم رسم الخط گردی)

کامران رحیمی

«مقدمه»

سرزمین اهورایی ما، آکنده از زبان ها و فرهنگ های رنگارنگ پویا اما خاموش و حاشیه ای است که در واقع مؤلفان راستین ملت و تمدن ایرانی در گستره ی تاریخ می باشند. بی شک کم توجهی به سایر زبان های ایرانی، در آینده خساراتی جبران ناپذیر بر پیکره ی این تمدن دیرین، برجای خواهد نهاد.

دکتر میر جلال الدین کزازی، در این باره چنین اظهار می دارد: «در میان زبان ها و گویش های گونه گون و بسیار که در پهنه ی ایرانشهر پراکنده اند، زبان گردی و گویش های آن از مایه وری و گرانسنگی ویژه ای برخوردار است. زیرا در این زبان در درازنای تاریخ کمتر دیگرگونی پذیرفته است به گونه ای که این زبان و گویش های آن همچارها و کاربرده های کهن را در پارسی دری که اینک روایی و کارایی ندارد، و نیز دوره های باستانی و برافتاده ی زبان های ایرانی باستان و میانه را هنوز در خود نهفته می دارد و می تواند آن ها را بی درنگ و دریغ در برابر پژوهنده ی سبک شناس یا زبان شناس بگسترده.» (پرنیان پندار، ۱۳۹۷-۲۰۲)

ادبیات گردی با زمزمه های عارفانی صافی ضمیر و روشن روان در سده های سوم و چهارم با گردی گورانی در جنوب آغاز می شود و در سده های بعد، پس از یک دوره ای کوتاه فترت، گویندگانی نازک اندیش همچون: نالی، محوی، ملای جزیری، احمد خانی و... آسمان ادب گردی را درخشان تر نموده اند. این سیر تکوینی در ادبیات معاصر گردی نمود بارزتری یافته است به طوری که آثار برخی از نویسندگان نوپرداز کرد به چندین زبان زنده ی دنیا ترجمه شده است (رک: تاریخ ادبیات کوردی، دکتر معروف خزانه دار، ج ۱، نارس، ۲۰۰۳).

واژگان کلیدی: شاخه، گردی جنوبی، فیلی، شبه گویش، واج، حرف نویسی.

جهت قلمرو تاریخی حکومت‌های محلی و تقسیم‌بندی‌های استانی اخیر، ناشناخته مانده است. همانندی و اشتراکات آوایی، واژگانی و صرفی کردی جنوبی با کردی میانه (سورانی) از کردی شمالی (کرمانجی) بیش تر است و از سوی دیگر به واسطه‌ی رسمیت هزار ساله‌ی زبان ادبی گورانی در منطقه در این شاخه تعاملات و تشابهات خاصی به شاخه‌ی چهارم زبان کردی (گورانی/هورامی) نیز دیده می‌شود. کردی ایلامی یکی از عمده‌ترین گویش‌های شاخه‌ی جنوبی زبان کردی است که در خارج از استان به «کردی فیلی» مشهور است نظام آوایی این گویش از اصالت خاصی برخوردار است و از تاثیر نظام آوایی زبان‌های ترکی، عربی و حتی فارسی نو به دور بوده است دکتر ابراهیم پور در این باره می‌نویسد: «با اطمینان می‌توان گفت که اکثر ساکنین مهاباد زبان ترکی را مانند زبان مادری خود صحبت می‌کنند و این با ساکنین ایلام فرق دارد چون که نمی‌توان سه نفر را پیدا کرد که ترکی بلد باشند ... وقتی از ایلام بر می‌گردی از نظر زبان شناسی احساس می‌کنی از کردستانی دور و کهن برگشته‌ای.» (ابراهیم پور ۱۳۷۸: ۴۱ و ۴۴). گویشوران فیلی عمدتاً در استان ایلام در شهرهای مهران، لومار، سرابله، آبدانان، ایلام، بدره و بخشی از دهلران، و در کردستان عراق در شهرهای مندلی، جسان، زرباطیه، علی غربی (قبل از تعریب) و به طور پراکنده در شهرهای خانقین و بغداد ساکن هستند. این گویش شامل شبه گویش‌های نظیر: ملکشاهی - میشخاصی، خزلی، دهبالایی، ارکوازی، بدره‌ای، ایل کرد (در آبدانان و دهلران) و شعبات

نظر به دامنه‌ی اختلافات گویش‌های کردی که فراتر از عنوان متعارف گویش (dialect) و لهجه (accent) و کم‌تر از عنوان زبان است، نگارنده عنوان «شاخه» را پیشنهاد می‌نماید و براساس معیارهای چهارگانه‌ی آوایی، واژگانی، دستوری و فهم متقابل (mutual intelligibility) زبان کردی را در پنج شاخه به شرح زیر تقسیم می‌نماید. ۱- شاخه‌ی شمالی (کرمانجی) ۲- شاخه‌ی میانی (سورانی) ۳- شاخه‌ی جنوبی (فیلی، کلهری، لکی، گروسی) ۴- شاخه‌ی گورانی/هورامی-زازایی ۵- شاخه‌ی لری-بختیاری (که در طول قرون متمادی متأثر از زبان رسمی، دگرگون شده است).

حوزه‌ی کردی جنوبی

کردی جنوبی مشتمل بر چهار گویش محوری فیلی (ایلامی)، کلهری، گروسی و لکی است که حوزه‌ی جغرافیایی آن‌ها به شرح زیر است: به طور عمده در دو استان ایلام و کرمانشان، در بخش شرقی کردستان ایران در شهرهای بیجار، قروه و حاشیه‌ی جنوبی شهر کامیاران، بخش عمده‌ای از استان لرستان با عنوان رایج «لکستان» و به طور پراکنده در ضلع غربی استان همدان شامل شهرهای تویسرکان، ملایر، نهاوند، اسدآباد، بهار، در برخی از روستاهای شیراز، قم و مازندران و در جنوب کردستان عراق در شهرهای خانقین، مندلی، علی غربی، بدره، زرباطیه و برخی از محل‌های بغداد متداول است. تاکنون هویت و موجودیت مستقل این شاخه، از دید زبان‌شناسان و پژوهشگران به

۱ - در واقع کردی لکی از حیث ساختمان دستوری وارگتیو (ergative) جزء کردی میانی و از حیث واژگانی جز کردی جنوبی قلمداد می‌شود.

لزوم استفاده از خط کُردی

ایرانیان از باستان تاکنون از خطوط بسیاری چون میخی، اوستایی، پهلوی و عربی استفاده کرده‌اند. در هر دوره نخبگان، بنا بر واقعیت‌های علمی، تحولات زبانی و سیاسی یا تغییر آیین به فکر اصلاح یا جایگزینی خط برآمده‌اند. آخرین خط ایران پیش از اسلام، خط پهلوی بود که به سبب مشکل **هزوارش**^۲ و ناهمخوانی واج‌ها با حروف، کنار گذاشته شد و رسم الخط عربی با افزودن حروف «گ، پ، چ، ژ» جایگزین آن گردید.

جایگزینی خط یا تغییر و اصلاح آن مبحث جدیدی نیست، بلکه یک واقعیت علمی و گریز ناپذیر است که در گذشته، در سده‌ها و امروزه در دهه‌ها رخ می‌دهد. رسم الخط عربی از همان آغاز به جهت ناهمگونی طبقه‌ی زبانی نتوانست به درستی واج‌های زبان‌های ایرانی را بنمایاند. با گذشت قرن‌ها و تحولات زبانی همچنان از اصلاح جدی به دور بوده است.

دکتر مسعود خیام که سال‌ها در حوزه‌ی رسم الخط کنکاش نموده و از پیشکسوتان دانش نوین رایانه در ایران می‌باشد، در مورد نارسایی خط فارسی چنین اظهار می‌دارد: «متأسفانه همان قدر که زبان مان خوب و قوی است، خط مان بد و ضعیف است. نارسایی‌های این خط چنان است که

دیگر است. در خارج از کشور به خصوص کردستان عراق، کلیه‌ی کردهای شیعه مذهب حتی کله‌رها و لک‌ها را «کرد فیلی» می‌نامند اما براساس مستندات تاریخی و اصول قوم‌شناسی و زبان‌شناسی، گویش‌های یاد شده مجموعاً شاخه‌ی جنوبی زبان کُردی را تشکیل می‌دهند (زمانه‌وان^۳، کامران رحیمی، دستگاه واجی، ۱۳۸۵).

تاریخچه‌ی خط کُردی

مادها در باستان از خط میخی مقتبس از خط بابلی با اندک تغییراتی استفاده می‌نمودند. محمد تقی بهار معتقد است مادها اولین قوم ایرانی بودند که از خط استفاده کردند و حتی آن را در میان سایر اقوام ایرانی رواج دادند و کردها بازمانده‌ی این قوم محسوب می‌شوند. (سبک‌شناسی، ج ۱، ۱۳۶۹-۶۵) بنا بر روایتی دیگر، کردها پس از اسلام، خطی به نام «ماسی سوراتی» ابداع نمودند که استقبال عام نیافت. (بوره‌که‌یی، ج ۱، ۱۳۶۹-۶۵). در یک سده‌ی اخیر دو خط لاتین و متعارف (عربی-ایرانی) با اندک تغییراتی در مناطق کردنشین متداول است. رسم الخط متعارف به جهت سابقه‌ی تاریخی و مانوس بودن، توفیق بیش‌تری اکتساب نموده که در این جستار به تشریح آن پرداخته می‌شود.

^۲ در این مشکل برخی از واژگان به زبان آرامی و سه

خط پهلوی نوشته می‌شود اما هنگام خواندن معادل پارسی میانه‌ی آن‌ها تلفظ می‌شد. این گونه کلمات که تعداد آن‌ها به یک هزار می‌رسید بعدها به «هزوارش» معروف شدند (معین،

چ ا، ۱۳۷۵).

فارسی بلکه برای زبان کُردی نیز نمی باشد. دیگر این که کُردی زبان است نه گویش. و هر زبانی رسم الخط خاص خود را می طلبد، لذا نباید در امر گزینش خط، ذوق، سلیقه و تعصب را دخالت داد؛ چه خط سایه ی زبان و پدیده‌ای قراردادی است. خطی کارا تر است که سایه ی واقعی آواها و واج-های یک زبان باشد. این مهم به اهتمام محققان و صاحب نظران کرد، اعمال شده است.

الفبای کُردی

زبان کُردی دارای ۳۴ حرف است که عبارت‌اند از:
 ئ، ا، ب، پ، ت، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ،
 س، ش، ع، غ، ض، ق، ک، گ، ف، و، و، ص،
 ل، م، ن، و، ه، ه، ی، ت.^۳
 در جدول شماره‌ی «یک» حروف و واژگان کُردی با فارسی و آوانوشت لاتین تطبیق داده شده است:

به نظر می رسد عملاً در حال توقف است و تا فلج کاملش راه زیادی باقی نمانده ... تاریخ نشان داده در چنین مقاطعی، اندیش‌مندان جامعه، گرد هم آمده خط جدیدی تدبیر کرده اند. خطی که قادر به حمل بارهای جدید زبان باشد، تعطل در چنین خطیری هم خط و هم زبان را با خطرهای جدی، روبه رو خواهد کرد. «خط آینده، ۱۳۷۳: ۲» وی نارسایی و ناکارایی رسم الخط فعلی را بسیار جدی و بیش از این می داند تا حدی که پیش بینی می نماید اگر کشور در آینده از لحاظ علمی، اقتصادی، مدیریتی و رایانه‌ای پیشرفت نماید، و مانند سایر ملل مترقی قدم در فضا گذاشته، مطمئناً سفینه ی ایرانی سقوط خواهد کرد و علت آن نارسایی و ناخوانایی خط فارسی است (همان منبع: ۲۳). در واقع خط متعارف، ظرف مناسبی نه تنها برای

جدول شماره ی یک

تعداد حروف	حروف کُردی	معادل فارسی	واژه‌ی کُردی	آوانوشت لاتین	معنی فارسی
۱	ئ	ء	ئمجا	?emjâ	سپس
۲	ا	ا	لا	lâ	طرف
۳	ب	ب	به‌ش	baş	سهم، قسمت
۴	پ	پ	په‌ژاره	pažâra	غم، نگرانی
۵	ت	ت	تووک	tuk	پوست
۶	ج	ج	جار	Jâr	بار، دفعه
۷	چ	چ	چهم	čam	چشم
۸	ح	ح	حه‌مید	hamid	حمید
۹	خ	خ	خاس	xâs	خوب
۱۰	د	د	دهم	dam	دهان
۱۱	ر	ر	برا	berâ	برادر

^۳ - در الفبای کُردی حروف «ف، ی، ئ، و» هر کدام نماینده ی دو واج (صامت و مصوت) هستند. اما رسم الخط متعارف به جهت نارسایی از نمایش آن‌ها عاجز است.

جدول شماره ی دو

معنی	املای لاتین	املای کردی	املای فارسی
غبار	gard	گهرد	گرد
دایره	gerd	گرد	گرد
پهلوان	gord	گورد	گرد

حروف ویژه ی الفبای کردی

◀ در زبان کردی، مصوت کسره (ـِ) وجود ندارد. بنابراین برای آن حرف مستقلی در نظر گرفته نشده است. کسره ی کردی کوتاه تر از کسره ی متعارف تلفظ می شود و شبیه شوای Schwa (ə) انگلیسی است. به ناچار برای شکل نوشتاری آن از علامت کسره استفاده می شود، مثال: بن (ben) ته، بیخ-م / me - من - دل / del - دل - هاتیم / hâtem / آمدم.

◀ در الفبای کردی برای این که مصوت بلند «و» با ضمه اشتباه نشود، با دو واو و بدین شکل «وو» نوشته می شود مثال: دروو / deru - دروغ - دوو / du - دوغ - سوور / sur - شور - نوو / nu - نو.

نظر به این اصل مترقی و علمی در رسم الخط کردی، یعنی برابری و یکسانی تلفظ و نگارش واژگان، در زبان کردی حروف ویژه ای در نظر گرفته شده است که در زیر به اختصار توضیح داده می شود:

◀ در الفبای کردی مصوت کوتاه فتحه (ـَ) به صورت حرف «ه / ه» نوشته می شود مثال: خه م: / xam - غم - به رد: / bard - سنگ -

شه که ت: / Šakat - خسته - فره: / fera - زیاد.

◀ در الفبای کردی مصوت کوتاه ضمه (ـُ) به صورت واو بزرگ «و» نوشته می شود مثال: کورد (کرد)، کوشت (کشت)، کور (پسر)، گول (گل)، فورم (فرم).^۱

^۱ - در واقع در کردی ایلامی مصوت ضمه به ندرت تلفظ می شود. اما در دیگر گونه های کردی فیلی نظیر: ملکشاهی، بدره ای و میخاچی یکی واج پر کاربرد است (کریمی دوستان: ۱۳۸۰) و (کسامران رحیمی، زمانه وان: ۲۰۰۷: ۳).

که این اقدام، موضوع غریبی نیست. به عنوان نمونه واج «ا» در کُردی جنوبی و مرکزی یکسان تلفظ نمی شود ولی به یک شکل نوشته می شود. همچنین حروف «ح، ع» در کُردی جنوبی تلفظ نمی شود اما از آن ها استفاده می شود (کامران رحیمی، زمانه و ان ۳: ۲۰۰۷) و (رخزادی، ۱۳۷۹: ۷۶).

در رسم الخط انگلیسی نیز قضیه به همین منوال است. بسیاری از واژگان نظیر: *Either*, *neither*, *water*,... در تلفظ آمریکایی و انگلیسی متفاوت است اما با این همه از یک املا استفاده می شود. (آریسانپور، چ ۳۴، ۱۳۸۶).

◀ در الفبای کُردی ای مجهول بدین شیوه (پ / ین) نوشته می شود امتداد تلفظ این حرف به اندازه‌ی یک تا دو کسره است. این واج در فارسی دری وجود داشته است چنان که مولوی می گوید:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر
گرچه باشد در نبستن شیر شیر

شکل نوشتاری آن در رسم الخط کُردی مانند حرف «ی» است متنها هفت کوچکی بر روی آن گذاشته می شود مثال: شیر / *šêr* / شیر جنگل - لیتو / *lêw* / لب - خوازئ / *xwâzê* / می خواهد - ری / *rê* / راه - سی / *sê* / سه - ژنی / *ženê* / زنی.

◀ در زبان کُردی حرف «ر» بر دو نوع است که عبارت‌اند از:

۱- «ر» معمولی که تلفظ و شکل املائی آن با حرف «ر» فارسی یکسان است؛ مثال: کور (نابینا)، گوران (گوش ادبی کُردی در گذشته)، سهر (سر).

◀ در کُردی جنوبی حرف ویژه‌ی وجود دارد که مابین حروف (وی) تلفظ می شود. شکل نوشتاری آن مانند حرف (و) است اما هفت کوچکی بر روی آن بدین شکل (ق) گذاشته می شود، مثال: خون / *xûn* / خون-رون / *rûn* / روغن- شوق / *sû* / شوهر- دور / *dûr* / دور- سور / *sûr* / عروسی - شوشم / *ûšem* / شو.

لازم به توضیح است واج «ق» در سایر زبان‌های هم خانواده با کُردی، نظیر فرانسوی و آلمانی وجود دارد و به ترتیب بدین شکل «*ü*، «*ö*» نوشته می شود. در گذشته حتی امروزه در ایلام و کرمانشاه این واج با حرف واو دو نقطه (ق) نوشته می شد، اما نگارنده با توجه به مشکلات تایپی، فنی و حتی اینترنتی که در تایپ حرف «ق» موجود است و همچنین با عنایت به ماهیت قراردادی خط، حرف «ق» را به جای حرف «ق» پیشنهاد نموده که مورد استقبال اکثر اهالی قلم در ایلام واقع شد. دیگر این که این حرف (ق) در کلیه‌ی فونت های کُردی و حتی یونی کدها (**Unicode**) موجود بوده و علاوه بر آن گامی است در جهت یکسان سازی رسم الخط کُردی.

در گذشته و حتی امروزه، جهت نگارش این حرف (ق) عموماً با دست اعمال می شد. از این رو علاوه بر مشکلات عدیده، وقت بسیار نیز مصروف می گردید. با این تفاسیل هنوز برخی با این استدلال که این حرف در کُردی سورانی نماینده‌ی واج دیگر است با این پیشنهاد موافق نیستند. در صورتی که ماهیت خط قراردادی است. و با یک توضیح و تعریف مختصر می توان تلفظ دوگانه‌ی آن را برای خوانندگان، در متون جنوبی و سورانی روشن و مشخص نمود. دیگر آن

۲- «ر» مفخم یا کُردی که لرزشی و تقریباً مشدد تلفظ می شود برای این که در نوشتن با «ر» معمولی اشتباه نشود هفت کوچکی در زیر آن گذاشته می شود مثال: کوپ (پسر)، گوران (پیاپی)، پپر (پر، مملو)، سسر (بی حس، لیز)، پراس (راست)، پرخ (ترس).

◀ در زبان کُردی حرف «لام» بر دو نوع است که عبارت است از:

۱- لام معمولی که تلفظ و شکل املائی آن با حرف «لام» فارسی یکسان است مثال: کول (کند، متضاد تیز)، کهل (شکاف)، مل (گردن)، پهل (شاخه).

۲- لام بزرگ یا کُردی که سنگین و غلطان تلفظ می شود برای تفاوت با لام معمولی، هفت کوچکی بر روی آن بدین شکل (ل) گذاشته می شود مثال: کول (کوتاه، جوش)، کهل (گوزن)، مال (خانه)، دل (دل)، پهل (سنگ).

◀ در زبان کُردی حرف «ف» نیز وجود دارد^۱ که مانند حرف «v» انگلیسی تلفظ می شود مثال: گفن /geven/ دارای موی مجعد - هفده / hevda / هفده.

در الفبای کُردی اگر حروف صدا دار (vowels) پس از همزه واقع شوند بدین شیوه نوشته می شوند:

آ ← تا : تاگر (آتش)، تاسن (آهن)،
ثاو (آب)، تاسوو (آق).

ایب ← ئی : ئیلام (ایلام)، ئیمان (ایمان)

آ ← آه : ئهرا (چرا، برای)، ئهسر (اشک)، ئهور (ابر).

ا ← ائ : ئشکهفت (غار)، ئسپل (طحال)، ئمروو (امروز).

ا ← ئو : ئوفاق (اتاق)، ئوسا (استاد)، ئومئید (امید).

ا ← ئی : ئیره (این جا)، ئیواره (عصر)، ئیران (ایران).

ا ← ئو : ئوشم (می گویم).

نکته : دو مورد اخیر در الفبای فارسی معادل ندارد.

حروف محذوف در الفبای کُردی

در الفبای کُردی شش حرف (ط، ص، ث، ذ، ظ، ض) به جهت عدم تلفظ، نوشته نمی شوند، به جای آن‌ها از حروف مشابه استفاده می شود. در دهه‌های اخیر دانشمندان ایرانی نیز در ویرایش رسم الخط فارسی، اقدامات مشابهی انجام داده‌اند و امروزه واژگانی نظیر: طهمورث، طهران، اطاق، طوس را به صورت «تهمورس»، تهران، اتاق، توس» می نویسند. در جدول شماره ی «سه» حروف الفبای عربی - فارسی با معادل کُردی ولاتین تطبیق داده شده است:

^۱ حرف «ف» در گویش‌های معیار کُردی جنوبی

و میانه (سورانی) در واژگان معدودی به کار می‌رود. اما در کردی کرمانجی، لکی و گونه‌های دیگر کُردی فیلی نظیر: ملکشاهی، بدره‌ایی، میشخاصی و دهلرانی - آبدانانی بسیار پر کاربرد است.

جدول شماره ی سه

حروف عربی	معادل لاتین	معادل	املاى فارسى	املاى	املاى
ط	t	ت	طناب	ته ناف	گردى
ص	S	س	صد	sad	سه د
ث	S	س	ثابت	sâbet	سابت
ظ	Z	ز	ظالم	zâllem	زالم
ذ	Z	ز	ذکر	zokr	زکر
ض	Z	ز	ضامن	zâmen	زامن

معنی هر یک را تشخیص می دهیم. ازسوی دیگر تعداد واژگانی که با جایگزینی حروف مذکور معنای آن تغییر یابد بسیار اندک است و واژگانی که حروف مذکور را دارا هستند به استثنای چند مورد اکثراً عربی هستند. این دسته از نویسندگان باید توجه داشته باشند که معنای واژه براساس محور همنشینی تبلور پیدا می کند و مخاطب از روی سیاق جمله معنی واژه را در می یابد نه شکل نوشتاری.

امتیازات رسم الخط گُردی

ایرانیان در آغاز ورود اسلام خط پهلوی را به جهت نارسایی های بسیار منسوخ نمودند و خط عربی را با اضافه کردن حروف « گ ، پ ، چ ، ژ » به کار بستند که به نوبه ی خود آن را نسبت به خط عربی کامل تر کردند .

رسم الخط گُردی نیز از الفبای ایرانی - عربی اقتباس شده است و اندیشمندان کرد با تغییرات ، اضافات و حذفیات منطقی، رسم الخطی منطبق با واج ها و آواهای زبان خود ابداع نموده اند . اگر قضیه ی تعامل تمدن ها و تکامل خط ها را در

در الفبای گُردی یک نوع «ت» وجود دارد . اگر واژه ای دارای حرف «ط» باشد ، باز با حرف «ت» نوشته می شود مثال : طناب ← ته ناف . طبیب ← ته بیب . سطل ← سه تل .

در الفبای گُردی یک نوع «س» وجود دارد اگر واژه ای حروف «ص» یا «ث» داشته باشد باز با حرف «س» نوشته می شود، مثال : ثانیه ← سانیه . ثروت ← سروهت . صبر ← سه بر .

در الفبای گُردی یک نوع «ز» وجود دارد . اگر واژه ای دارای حروف «ذ» یا «ض» یا «ظ» باشد باز با حرف «ز» نوشته می شود، مثال: ظالم ← زالم . ضامن ← زامن . ذهن ← زین .

برخی از نویسندگان استدلال می کنند، حذف حروف مذکور باعث تغییر معنی واژه می شود؛ به عنوان نمونه اذعان می دارند اگر واژه ی « صد » با حرف « س » نوشته شود با واژه ی « سد » به معنی مخزن آب اشتباه می شود. در صورتی که معنی این کلمات در محور هم نشینی در جمله مشخص می شود، مضافاً این که ما این دو کلمه را با یک تلفظ می شنویم و براساس فحوای جمله،

کلان ارائه شود و این از لحاظ اقتصادی و استفاده‌ی
بهینه از کلاس ها بسیار با ارزش است

منتقدان رسم الخط کُردی

در جامعه با توجه به سلاقی و دیدگاه های گوناگون
افراد طبعاً در برابر تفکر و پدیده ی نو مخالفانی
وجود دارد . در ایلام اهالی قلم بنا بر ضرورت های
علمی و عینی از این رسم الخط استقبال کرده اند . اما
برخی با دلایل سست و غیر علمی ندانسته یا تعمداً از
ترویج این رسم الخط ممانعت به عمل می آورند .
دلایل منتقدان رسم الخط کُردی را من حیث
المجموع می توان به چهار دسته تقسیم کرد .

دسته‌ی اول معتقدند این رسم الخط ، مختص کُردی
ایلام نیست و پیشنهاد می کنند از همین رسم الخط
متعارف استفاده شود ؛ دسته ی دوم اظهار می دارند
باید برای استان ایلام و کرمانشان رسم الخط ویژه ای
براساس رسم الخط فارسی ابداع کرد؛ دسته ی سوم
از آن جهت که قاطبه ی مردم خواندن و نوشتن به
این رسم الخط را نمی دانند از به کارگیری آن خود
داری می نمایند؛ دسته ی چهارم که عموماً
دانشگاهیان و فعالان فرهنگی می باشند معتقدند این
رسم الخط نمی تواند تمام واج ها و آواهای زبان
کُردی را منعکس کند لذا پیشنهاد می نمایند از
خط لاتین که بین المللی است استفاده شود .

رفع شبهات

واقعیت این است که رسم الخط کُردی پدیده ای
نوظهور نیست . ابداع آن حداقل به یک قرن پیش
برمی گردد . دیگر این که این رسم الخط ، ویژه ی
کُردی جنوبی است و با سایر رسم الخط ها در استان
های دیگر اختلافات جزئی دارد. در سال ۱۳۲۵
پروفسور محمد مکری دانشمند بزرگ ایرانی اهل
کرمانشاه تغییراتی اساسی در این رسم الخط اعمال
نمود. (نام پرنندگان در لهجه های غرب کشور، چ سوم،
۱۳۶۴) از سوی دیگر در زبان کُردی واج ها و
آوهای ویژه ای چون : « و، ذ، ض، ث ... » وجود

گستره ی تاریخ بپذیریم ، امروزه رسم الخط کُردی
از کامل ترین و پیشرفته ترین رسم الخط ها در
منطقه به شمار می آید . در رسم الخط کُردی
مشکل چند تلفظی واژگان و غلط املایی که
گربانگیر همیشگی استاد و دانشجو و محصل و
معلم است به طور کلی از میان برداشته شده است
در رسم الخط فارسی واژه‌ی « استیضاح » به
شکل ممکن قابل نگارش است.^۱ دکتر مسعود
خیام در باره ی تشتت روایت‌های نگارشی و پدیده-
ی عمومی غلط املایی چنین اظهار می دارد :
« کتاب های دبستانی و دبیرستانی ، انتشارات
دانشگاهی ، معین ، دهخدا ، مطبوعات ، شعرا و
نویسندگان هر کدام در هر زمینه روایت خود را
دارند . چه قدر آرزو داشتم سر این زنگ های دیکته
به جای من، فردوسی و خیام و مولانا از قدیم و
فروزان فر وهمایی از قدما و هدایت و نیما و شاملو
و شفیعی از معاصرین زیر دست این معلم می
نشستند و دیکته می نوشتند تا صحت عرایض بنده
روشن شود البته کسی که بخواهد به این بزرگان
غیر از بیست بدهد جوهرش منجمد می شود (خط
آینده، ۱۳۷۳: ۲۵) . فراگیری رسم الخط کُردی
در کوتاه زمان ممکن، امکان پذیر است . فردی که
این رسم الخط را فرا گرفته باشد بعید به نظر می
رسد در خواندن و نوشتن دچار اشتباه شود از سوی
دیگر لزومی دیده نمی شود در مقاطع مختلف
تحصیلی دروس املا و قرائت با صرف هزینه های

^۱ - زیرا در رسم الخط فارسی در برابر واج های « ا ، ه ، س ،
ت ، ز » چند حرف (نماینده) وجود دارد که به ترتیب
عبارت است از :

ا=ع (۲)- ه=ح (۲)- ت=ط (۲)- س=ص ، ث (۳)-
ز=ذ ، ض ، ظ (۴)

لذا می توان واژه ی استیضاح را به ۹۶ (۹۶=۴×۳×۲×۲) شکل
ممکن نوشت و این ایرادی اساسی و بنیادی
است. در صورتی که در رسم الخط عربی هر کدام از حرف های
مذکور مخرج و واجگاه خاص خود را دارند.

دارد که رسم الخط فارسی قابلیت انعکاس آن ها را ندارد. واژه ی گردی « خون » را با رسم الخط فارسی می توان به شکل های «خیون ، خوین ، خین ، خون» نوشت اما هیچ کدام تلفظ واقعی و صحیح این واژه را ارائه نمی دهد. در پاسخ به دسته ی دوم باید گفت ، رسم الخط حاضر ترکیبی از رسم الخط فارسی و گردی است ، لذا رسم الخط فارسی بیش از این استعداد تغییرپذیری ندارد. نگارنده با نظر دسته ی سوم موافق است چه اکثر مردم با این رسم الخط آشنا نیستند اما این مشکل دلیل نمی شود که از رسم الخط گردی برای نگارش متون استفاده نشود. بلکه در وضعیت کنونی می توان با استفاده از امکانات آموزشی و رسانه های گروهی به خصوص صدا و سیما مشکل یادگیری را تا حدودی مرتفع نمود. در پاسخ به دسته ی چهارم باید گفت

در وضعیت کنونی استفاده از خط لاتین به دلایلی عملی است. تنها می توان برای آوانوشت واژگان از آن استفاده نمود. جدا از نظرات غیر علمی می توان بر رسم الخط گردی دو ایراد وارد دانست:

۱- برای مصوت کسره (ـِ) حرفی در نظر گرفته نشده است.

۲- حروف بعضی از کلمات جدا از هم نوشته می شود و اندکی شکل ظاهری کلمات نامأنوس است. نگارنده ضمن تایید مورد اول باز معتقد است حرفی که مضموم یا مفتوح نباشد حتماً مکسور است اما در مورد ایراد دوم اظهار می دارد هر چند متقاطع بودن حروف در املا ی گردی در نگاه اول ممکن است نامانوس یا ناخوشایند باشد اما اصول زیبا شناسی نسبی است و این نکته را نباید فراموش کرد که رسم الخط گردی به مراتب از خطوط چینی و ژاپنی خوش ریخت تر است.



پانوشتها و ماخذ:

- خط آینده ، مسعود خیام ، انتشارات نگاه ، چاپ اول ، 1373 ، ص 2 و 25.
- سبک شناسی ، محمد تقی بهار ، جلد 1 ، چاپ 1369 ، ص 65 .
- آواشناسی و دستور زبان گردی ، رخزادی ، علی ، انتشارات ترفند ، تهران ، چاپ اول 1379.
- پرنیان پندار ، دکتر میرجلال الدین کزازی ، انتشارات روزنه ، چاپ اول ، 1367 ، ص 202 .
- دستور جامع زبان گردی جنوبی براساس نظریه ی ساختگرا ، نگارنده (چاپ نشده) .
- دستور کامل زبان گردی ، ابراهیم پور ، محمد تقی ، ایران جام ، تهران ، چاپ اول 1378.
- دکتر مهدی ، مشکوه الدینی ، ساخت آوایی زبان ، دانشگاه فردوسی مشهد ، مشهد ، چاپ سوم ، 1374.
- زمانه وان 3 ، خه سارناسی وشه سازی له زمانی کوردی ، کامران رهحیمی ، تاراس 2007 .
- زمانه وان 3 ، دستگاه واجی کُردی فیلی ، کامران رحیمی ، تاراس 2007 .
- زمانی یه کگرتووی کوردی نه بهن ، جهمال ، ، بامبیرگ ، 1976 .
- فرهنگ پیشرو انگلیسی - فارسی ، آریانپور ، منوچهر ، تهران نشر رایانه ، چاپ سی و چهارم ، 1386 .
- فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، امیرکبیر ، تهران ، چاپ دهم ، 1375 .
- گردی ایلامی ، بررسی گویش بدره کریمی دوستان ، دکتر غلامحسین ، دانشگاه کردستان ، 1380 .
- میژووی ویژهی کوردی ، سدیق بوره کهیی ، انتشارات بانه (ناجی) ، جلد 1 ، چاپ اول ، 1370 ، ل 19 .
- میژوی نه ده بی کوردی ، دکتر ماریخه زانه دار ، به رگی یه که م ، بلاو کراوه ی تاراس .
- نام پرندگان در لهجه های غرب کشور ، دکتر محمد مگری ، انتشارات امیر کبیر ، چاپ سوم ، 1364
- نگاهی به زبان (یک بررسی زبان شناختی) ، یول ، جورج ، ترجمه نسرین حیدری ، سمت ، تهران ، چاپ پنجم ، 1374 .